

اصفهان، قهرمانی را از تهران گرفت

■ مسابقات ورزشی قهرمانی کشور در سال ۱۳۲۵-۲۶ با شرکت هشت تیم از شهرهای اصفهان،اهواز،بندرانزلی،تبریز،تهران،شیراز،مشهد و آبادان از تاریخ ۲۹اسفند ۱۳۲۵ در مشهد شروع شد. ابتدا تیم‌های شرکت‌کننده در مسابقات به دو گروه تقسیم شدند.

الف- مشهد، تبریز، اصفهان و اهواز
ب- تهران، آبادان، شیراز و بندر انزلی
- مسابقات از روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۵ زیر نظر مستقیم حسن بنائی، مدیر اداره آموزش تربیت‌بدنی در زمین فوتبال سعدآباد مشهد آغاز شد و به مدت ۱۰ روز ادامه یافت. قرار بود مسابقات با شرکت ۱۱ تیم برگزار شود اما در آخرین ساعات تیم‌های کرمان، گرمانشاه و ارومیه از شرکت در رقابت‌ها عذر خواستند.
نتایج مسابقات در دو گروه به شرح ذیل است:

پنجشنبه ۲۹اسفند ۱۳۲۵:مشهد-صفر-تبریز-صفر/تهران-آبادان ۲

شنبه اول فروردین ۱۳۲۶:بندرانزلی-۲- شیراز یک/اصفهان-۵- اهواز ۲

دوشنبه سوم فروردین ۱۳۲۶:اصفهان یک- مشهد صفر/تهران یک- شیراز صفر

چهارشنبه ۵ فروردین ۱۳۲۶:اهواز-۳- تبریز ۲/بندرانزلی-۳-آبادان ۲

جمعه ۷ فروردین ۱۳۲۶:تهران-۸- بندرانزلی ۵/اصفهان یک- تبریز یک/آبادان ۳- شیراز صفر/اهواز-۵- مشهد ۲

■ نتایج روز آخر به صورت هم‌زمان برگزار شد.
■ تیم‌های اصفهان در گروه الف و تهران در گروه‌ب، در صدر جدول گروه‌های خود ایستادند و روز یکشنبه ۹ فروردین مسابقه نهایی را برگزار کردند. در این مسابقه تیم فوتبال اصفهان، با یک گل تهران را برد و قهرمان مسابقات شد. اصفهان بعد از هشت سال بی‌دربی که تهران قهرمان مسابقات بود، قهرمان شد.

بازیکنان اصفهان عبارت بودند از: ۱- مهندس کریم کشاورز(او با تیم‌ملی در سال ۱۳۲۰ به کابل رفت) ۲- حسن سهی (او هم همراه تیم‌ملی به کابل رفت) ۳- جواد نوری ۴- احمد کسائییان ۵- مرتضی صفری ۶- محمود منجمی ۷- عباس انصاری ۸- هادی داستانی ۹- محمود پورجم ۱۰-رضا کلینی ۱۱- عزیزالله منشی ۱۲- ناصر کارفرسا ۱۳- علی کسائییان ۱۴- رضا صرافان ۱۵- فیصل ملک .

وقتی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران پیروزی بزرگ فرهنگی خود را در سال‌های پایانی دهه ۵۰ شکل‌یافته دید، باورش سخت بود که اتفاقات تاریخی، اسناد موجود و خاطرات تحریری توسط دولتمردان رژیم سابق بتواند چنین دستاورد بزرگ فرهنگی را برای نسل‌های آینده بسازد. در این میان رویکرد برخی از این عناصر نسبت به مقوله فوتبال در نوع خود واقعا جالب توجه است. با توجه به اسنادی که از «وزارت امور خارجه»، «سناد طبقه‌بندی ساواک» و خاطرات شخصی رجال پهلوی مثل ارتشید سابق حسین فردوست، امیراسدالله علم، اردشیر زاهدی و… وجود دارد، مجموعه‌ای را به اسم «فوتبال و رجال پهلوی» در دست تدوین داریم که بخش اول آن با عنوان «خان انگلیسی و اسرائیل در این مجال از نظر تان می‌گذرد.» خاطرات اسدالله علم، خان انگلیسی، یکی از بزرگ‌ترین ملاکان ایران و نزدیک‌ترین دوست سر شاپور رپورتر بزرگ‌ترین جاسوس انگلیسی را با هم مرور می‌کنیم:

جمعه ۲۱ فروردین ۱۳۴۹

پیش از شرفیابی سواری کردم، ناهار در پشت سد فرحناز پهلوی آسند لتیان امروز- نگارنده] صرف شد که به دعوت نخست‌وزیر رفته بودیم. مشتاق بود استراحتگاهی را که برای شاه ساخته به او نشان دهم که هیچ بد نیست و قطعا برای گریزهایمان(۱) محل مناسبی است. در مسابقه نهایی فوتبال جام آسیا که در تهران برگزار شد، ایران ۲ بر یک اسرائیل ۱رژیم اشغالگر قدس- مولفا را شکست داد(۲) جشن و شادی شهر را فراگرفت. در استادیوم امجدیه، ۳۰هزار تماشاچی بلند شدند و با هم سرود ملی را خواندند و جشن و سرور تا سحر ادامه پیدا کرد. شاه شانس آورد که کسی از فرصت استفاده نکرد تا در مورد بحرین نظااهرات کنند(۳) موضوع اخیر به کلی از یادها رفته است. گروهی از فرصت استفاده کردند و شعارهای شدید ضداسرائیلی دادند که در ایران بی‌سابقه است. شاه این را از چشم کمونیست‌ها می‌بیند(۴).

دوشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۴۹

… شرفیابی(۵) شاه را برآشفته دیدم. علت را جویا شدم. گفت در شهر اتفاقات ناخوشایندی رخ داده. گروهی دانشجو، شعارهایی به وضوح کمونیستی داده‌اند. هیچ نوع پیروزی‌ای در فوتبال، شعارهایی از قبیل «زنده‌باد مردم فلسطین» یا «هرگ بر صهیونیست» را توجیه نمی‌کند. سازمان‌های امنیتی هم نتوانست‌اند منبع آشوب را کشف کنند. در مورد روابط محمدرضا پهلوی مخلوع و امیراسدالله علم ذکر چند نکته لازم است. هر دو همسن‌وسال بودند و در سال ۱۲۹۸ به دنیا آمده و هر دو به مرض سرطان مردند. علم در بهار ۵۷ و پهلوی دوم در تابستان ۵۹ مردند. علم در یک سال ابتدایی دهه ۴۰ نخست‌وزیر انتصابی محمدرضا و در مابقی سال‌ها تا تابستان سال ۵۶ وزیر دربار او محسوب می‌شد. عنوان وزیر دربار، سر علم را برای مشاوره و نزدیکی با شاه خلوت نگه می‌داشت. علم، یگانه‌فرد معتمد محمدرضا بود و پهلوی دوم او را از لحاظ نزدیکی بالاتر از مشاورهای قدیمی خود ارئست

شاه و علم، غوطه‌ور در افکار دایی جان ناپلئونی

با اره بریدند سر «موشه دایان» را…

مهدی حدادپور



بی‌نوست:

۱- سال ۴۹، سال ۵۱ سالگی محمدرضا و امیر اسدالله است اما ملاحظه می‌کنید که هنوز تصمیم‌گیری و اداره مملکت از دل کسانی بیرون می‌آید که دنبال شب‌گیزی هستند. نگاه کنید: شخص سبوم مملکت یعنی امیر عباس هویدا، نخست‌وزیر در محل سد لتیان، جایی را برای شخص اول و دوم مملکت می‌سازد که شخص دوم آن را برای گریزهای مخفی از چشم همسران آنها یعنی فرح دیبا و ملک تاج قوام و ارتباط با معشوقه‌هایی که در سایر بخش‌ها به آن اشاره می‌شود، می‌داند.۲- علم به اندازه محمدرضا با فوتبال آشنایی نداشت. او حتی نمی‌دانست که در فروردین ماه ۴۹، نه تیم‌ملی بلکه باشگاه تاج در مسابقات فوتبال جام باشگاه‌های آسیا تیم هاپونل تل آویو را شکست داده است ضمن اینکه «علم»

خودش رئیس هیات‌مدیره «تاج» بوده است. بنابراین معلوم می‌شود که این ریاست هیات‌مدیره تاج هم امری صوری بوده است. ۳- مهم‌ترین مساله کشور از حیث سیاسی در آن زمان فشاری بود که انگلستان به ایران و سازمان ملل متحد وارد می‌کرد تا درباره استقلال کشور بحرین یک تصمیم واحد اتخاذ شود. سازمان ملل متحد تحت تاثیر القاتل انگلستان بالاخره اعلام کرد باید در بحرین فراندوم برگزار شود تا مردم این کشور نظر دهند دوست دارند باز هم تحت حاکمیت مرکزی ایران باشند یا استقلال می‌خواهند. تحت تاثیر سازمان ملل فراندوم برگزار شد و شاه مخلوع با جدایی این جزیره ایرانی موافقت کرد؛ ۴- ترس شاه از کمونیست‌ها به نوعی یک دیدگاه دایی جان ناپلئونی نسبت به کمونیست‌هاست که محمدرضا پهلوی آنها را در آن سال‌ها همچنان بزرگ‌ترین تهدید می‌داند. شاه مخلوع به «اشترافیت» ملی‌گراها علاقه داشته و آنها را نیروهای کم‌خطری می‌دید؛ علاوه بر این وقتی رهبر آنها یعنی مصدق ۱۳ سال دوران تبعیض تال لحظه مرگ را در احمدآباد گذراند، تحرکاتی از سوی ملی‌گراها سر نزده و معلوم شد که شاه باید به جز نیروهای مذهبی از کمونیست‌ها بترسد و خطر کشور را از تراجاع سرخ و سبیز بداند. بزرگ‌ترین قیام مردمی دهه ۴۰، حکایت ۱۵ خرداد بود که شاه فکر می‌کرد در نطفه خفه شده‌د در صورتی که زعم انقلاب پیش‌بینی می‌کرد که پیش‌درآمد پیروزی انقلاب، همین قیام ۱۵ خرداد باشند. شاه در فاصله قیام ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب خطر نفوذ کمونیست‌ها را جدی می‌دید و همه جنبش‌های مردمی را از چشم آنها می‌دید. کمونیست‌ها به خاطر عدم کنترلی که در مبارزات ضدمذهبی و ضد اخلاقی داشتند، همیشه یک تهدید برای شاه بودند و شاه آنها را تهدید جدی‌تری می‌دانست. رهبران توده در ایران افرادی مثل مریم کیانوری بودند که به آشتی با پهلوی حاضر نمی‌شدند و همسرش نورالدین کیانوری و کسانی چون احسان طبری، خسرو روزهی و… ایدئولوژی‌شان رسیدن به هدف با هر وسیله‌ای بود. شاه نیروهای عظیم فرهنگی، مذهبی انقلاب اسلامی را نمی‌شناخت. چنانچه نه او و نه علم باور نداشتند مردانی که قبل از بازی تحت تاثیر ملیت ایرانی سرود ملی را سر می‌دهند، بعد از بازی به اسرائیل غاصب و سیاست‌های تجاوزگرانه‌اش دشنام دهند و بعد از بازی «دود بر فلسطین» و «هرگ بر صهیونیسم» بگویند. شاه و علم حتی برای مردم ایران شعور سیاسی قابل نبودند که در دوران جهان‌وطنی اسلام و آرمان‌های ضداسرائیلی همه مسلمانان دنیا، به دفاع از بخشی دیگر از مسلمانان دنیا متعایل کند. ۵- در تمام خاطرات علم، هر گاه او شاه را دیده با همین کلمه یعنی -شرفیابی- از آن نام می‌برد.

■ ■ ■

در پایان، شاهدان داستان می‌دانند که بعد از سه پیروزی ایران برابر اسرائیل، در سال ۴۷ (تیم ملی)، سال ۴۹ باشگاه تاج و سال ۵۳ (تیم ملی) همه تماشاگران حاضر به سر دادن شعارهای خودجوش جالبی پرداختند:
با اره بریدند سر موشه دایان را
عجب- پدری بود چه- پدری بود

اقتی:

۱ - قالی کوچک - رایانه ۲ - ابزارها - اکنون - ضد پشنگ ۳ - بزرگان - زیرا - داروغه ۴ - اسباب لوازم منزل - بدگمان - لایه جوی - یازده ۵ - زن خانه‌دار - گندم آردکن ۶ - سوره هفدهم قرآن - از اصول دین اسلام - سوپ وطنی ۷ - واحد سیگار - مذکور - زغال ۸ - زبانه کشیدن آتش - آسمانی ۹ - پایتخت کشور توگو - نویسنده و ادیب بزرگ و خالق «زندگینامه شیللر» ورزش مادر ۱۰ - شاخ کبکستا - بیماری یرقان - بخشنده ۱۱ - از حومه‌های زیبای شهر پطراروت - رشت - از سوره‌های مدنی قرآن ۱۲ - دشمن - سرسخت - شیمی کربن - پوست‌کن - ولیکن ۱۳ - زیبا رو - محل نمایش حیوانات - کنجد کوبیده ۱۴ - کاری را به تاخیر انداختن - ناب، اصل - شهری در کرمانشاه ۱۵ - کتابی از ارنست همینگوی - خبیل

حل جدول ۱۴۳۷

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	س	ب	ز	ا	ک	م	ش	ا	م	ه	د	ه	د
۲	ب	ا	ا	ل	ه	ک	د	ن	د	ن	ا	ز	ا	ل
۳	و	ی	ر	و	س	ا	ا	و	د	ن	ا	م	ی	ا
۴	د	ل	د	ی	ل	م	ر	م	ق	ر	ن	س		
۵	ر	ب	ی	ه	ر	ا	ت	ا	ش	ه				
۶	ا	ر	ه	ج	ت	م	د	ل	ب	ی	ا			
۷	ا	د	ا	ن	ا	ا	م	ن	ا	ی	ش			
۸	ر	ا	ه	ن	ی	ا	ی	ا	ش	ه	د	ل	ا	ر
۹	م	ت	م	س	ک	ی	م	ا	ن	ی	ا	و		
۱۰	ک	ی	ا	ش	ی	ل	و	ت	ن	ه				
۱۱	ا	س	ب	ز	ا	ک	م	ش	ا	م	ه	د	ه	د
۱۲	ب	ا	ا	ل	ه	ک	د	ن	د	ن	ا	ز	ا	ل
۱۳	و	ی	ر	و	س	ا	ا	و	د	ن	ا	م	ی	ا
۱۴	و	ی	ن	ت	م	ر	م	ق	ر	ن	س			
۱۵	ا	ن	ی	ل	ی	س	ا	ی	خ	ی	ش	ا	ن	د

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عده‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشور‌های مختلف به چاپ می‌رسد.

			۵		۶
	۴	۱	۳		
					۵
	۹	۲	۴		۳
			۹		
	۳			۱	۶
		۸		۵	۴
	۷				۲
			۸		۹
					۱
	۱	۷		۲	
					۳
	۵	۹			
			۶	۷	۹
	۸				

سودوکو ۴۴۱

			۵	۱	۹	۶	۸	۳
۹	۸	۳	۷	۶	۴	۱	۲	۵
۶	۱	۵	۸	۳	۲	۷	۴	۹
۳	۹	۷	۱	۵	۸	۲	۴	۶
۸	۵	۴	۶	۲	۷	۳	۱	۹
۱	۲	۶	۹	۳	۷	۵	۸	۴
۵	۸	۱	۷	۱	۸	۶	۴	۳
۴	۱	۹	۵	۳	۷	۲	۵	۸
۷	۶	۷	۴	۸	۱	۵	۳	۹

حل سودوکو ۴۴۰

حل سودوکو سخت ۸۹

		۳	۸	۴	
	۵		۲		
	۸		۵	۶	
	۴	۹		۳	۸
۸	۲		۳		۶
		۷		۵	۲
	۹	۶	۷	۲	
			۴		
۹					
	۲	۶		۵	۱
			۹		۶
۴					

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

تاریخ ورزش

جام انقلاب و وحدت ادغام شدند

■ هر ۳۰سال، سال قمری یک دور روی سر سال شمسی می‌چرخد. ۳۰سال قبل یعنی در سال ۱۳۴۰ هم تولد پیامبر در دهه فجر بود، به همین مناسبت، بین فاصله ۱۲ تا ۱۷ ربیع‌الاول که اعتقاد اهل سنتن و تشیع درباره زمان تولد پیامبر اکرم(ص) است، «هفته وحدت»نامگذاری شد. برای اولین بار، جام فوتبال بین‌المللی وحدت با شرکت هشت تیم در ورزشگاه امجدیه شماره یک و دو برگزار شد. پرسپولیس و استقلال به عنوان تیم‌های پرطرفدار تهران، ملوان نماینده شهرستان‌ها و تیم‌های‌ملی امید و ارش که این دومی قرار بود یک ماه بعد در سیزم شرکت کند، تیم‌های ایرانی بودند و سه تیم خارجی یعنی ارش سوریه، ارش الجزایر و ارش لیبی در مسابقات شرکت داشتند. رابطه سیاسی این سه کشور به واسطه حمایت حافظ اسد، معمر قذافی و شاذلی بن جدید از منشور انقلاب اسلامی در بدو انقلاب با ما عالی بود، به‌هرحال در گروه اول تیم‌های استقلال، ارش سوریه، ارش الجزایر و تیم‌ملی امید و در گروه دوم پرسپولیس، ملوان، ارش لیبی و تیم‌ملی ارش حاضر بودند.ملی‌پوشان تیم‌های استقلال و پرسپولیس در این مسابقات حاضر نبودند و تیم با ترکیبی از غیر ملی‌پوش‌ها و جوانان پا به مسابقات گذاشتند استقلال نفراتی مثل ناصر حجازی، حاجیلو، سعید مرافعه‌چیان و چنگیز و پرسپولیس مردانی مثل بهروز سلطانی، ناصر محمدخانی، محمد پنجعلی، محمد مایلی کهن، کیان طهماسبی و… را نداشت. به‌هر حال از گروه اول تیم‌های ارش الجزایر و ارش سوریه صعود کرده و تیم جوانان و استقلال حذف شدند. استقلال بین هشت تیم با به دست آوردن بدترین نتایج هشتم شد. در گروه دوم پرسپولیس و ملوان صعود کردند، در نیمه‌فهای ملوان در ضربات پنالتی مغلوب ارش الجزایر شد و پرسپولیس با یک ضربه پنالتی به فینال رسید و ارش سوریه را برد.بازی‌ها تا هشتم اسفند به طول انجامید و فینال روز هشتم اسفند ۶۰ در حضور ۲۵هزار تماشاگر در امجدیه برگزار شد. دو تیم در وقت قانونی صفر- صفر کردند و در وقت اضافه تاگهان برق اصلی ورزشگاه قطع شد و برق اضطراری که نصف برق اصلی بود، روشن شد. بازی در ورزشگاهی نیمه تاریک در جریان بود. دقیقه ۱۱۹ بود که از جناح راست یک ضربه کاشته نصیب پرسپولیس شد. علی پروین ضربه را ناوخت و در شلوغی مقابل دروازه جواد حسن‌زاده هافبک سابق درایی دروازه حریف را گشود. پرسپولیس قهرمان جام بین‌المللی وحدت شد. نفرت پرسپولیس عبارت بودند از:وحید قلیچ، رضا ریاضتی (همکار مطبوعاتی امروز ما)، مرحوم فربرز مرادی، کاظم سیدعلیخانی، علی پروین، حسین کاشانی‌نژاد،روح‌الله عبادزاده،حمید درخشان،ضیاء عربشاهی، جوادحسن‌زاده، مرحوم مجید سبزی، علیرضا حیدری، ناصر نورایی، جواد صریفی و محمود پاژوکی.